

سال ۲۷۰ هجری، برابر با ۹۸۰ میلادی، یعنی دقیقاً یک هزار سال پیش، مقارن با سال تولد ابن سیناست که یکی از معروفترین و پرنفوذترین حکیمان و دانشمندان جهان اسلام به شمار می آید. ابن سینا در نزدیکی شهر بلخ، واقع در آسیای مرکزی، که در آن روزگار بخشی از قلمرو پهناور خلفای عباسی محسوب می گردید، پدیا آمد. اما در آن دوران امپراتوری عظیم اسلام که از افغانستان فعلی در مشرق تا جنوب اسپانیا در مغرب امتداد داشت، از لحاظ سیاسی در حال ازهم گسستن بود. در جای جای امپراتوری عباسیان سلسله های مستقل محلی سر بر کرده بودند که تنها ظاهراً از دستگاه خلافت بغداد پیروی می کردند. اما این گسیختگی سیاسی، نه تنها موجب افول و انحطاط فرهنگی نشد، بلکه به عکس طلوع دار یک دوران طلائی در تمدن اسلامی نیز گردید. هر یک از کشورهای نوحاستهائی که سر از فرمانبرداری خلفای عباسی می پیچید، بر آن می شد تا سهم علمی

و فرهنگی خود را به تمدن اسلامی ادا کند، و سران هر سرزمین برای جلب بزرگترین اندیشمندان دوران به دربار خویش بسا یکدیگر به رقابت برمی خاستند. هنگامی که برخی از دستاوردهای این رستاخیز بزرگت به باخترزمین راه یافت، خود خمیرمایه نهضتی عظیم در اروپا گردید، که آن را با نام رنسانس می شناسیم. در این تخمیر فرهنگی، ابن سینا یکی از مهمترین عناصر به حساب می آید، چرا که نفوذ او مرزهای اسلام را درنوردید. و از راه اسپانیای اسلامی، یا اندلس، در اروپا منتشر شد، و قرن ها همچون نیروئی عظیم در فرهنگ اروپائیان جای داشت. او که بر چهارراه تاریخ، آنجا که تمدن ها و دوران های گوناگون بهم می پیوستند، ایستاده بود. شخصیت نوبغ آمیزی داشت که امروز میراث مشترک تمامی انسانیت شده است. این شماره پیام یونسکو را به بررسی جنبه های چندی از این نابغه بزرگ اختصاص می دهیم.

شیخ الرئیس، به معنای پیشوای حکیمان و فرزاتگان، لقبی بود که ابن سینا یا ابوعلی الحسین بن عبدالله بن حسین بن علی ابن سینا در مشرق زمین به آن ملقب گردیده بود. غربیان بیشتر او را به نام «Avicenna» می شناسند.

ابن سینا یکی از شگفت انگیزترین چهره های تاریخ جهان است. او که فیلسوفی جامع الاطراف، دانشمندی بزرگ، پژوهشگری خستگی ناپذیر، نظریه پرداز ریاضی، ژرف اندیش، طبیعی حاذق، شاعری متبحر و موسیقی شناسی ورزیده بود زمانی به وزارت رسید و چندی پای در غل به زندان افتاد. جهانگردی جهان دیده بود که در بسیاری از سرزمین های آسیای مرکزی و فلات ایران سفر کرده بود و آنجاها را می شناخت. مؤلف کتاب های بسیاری است که هر یک در شاخه ای از علوم آن زمان، در نوع خودی نظیر است.

ابن متفکر بزرگ در عین حال مردی بود که درباره خصایص والای انسانی اش افسانه ها پرداخته شده و زبان به زبان می گشت، و برخی از این افسانه ها تا به امروز نیز زبان مردم است. براساس یکی از این افسانه ها، هنگامی که حسین طفلی خردسال بود، مادر وی او را در طشت آب نهاده و استحمام میکرد. ناگهان انگشتری طلا از دست او لیزید و در طشت افتاد، و زن ندانسته طشت آب را خالی کرد. لختی بعد، هنگامی که مادر دریافت که انگشتری طلای وی گم شده است به یکی از کنیزان بدگمان شده، او را مسئول ناپدید شدن انگشتری خود پنداشت و سخت گوشمالی داد. در این وقت حسین که طفلکی خردسال بیش نبود در بی احقاق برآمده زبان به سخن گشود و چنین گفت: «مادر، زود از کنیزک پوزش بخواه، که گم شدن انگشتری تو گناه او نیست» می گویند این نخستین کلماتی بود که بر زبان ابن سینا جاری شد.

ابن سینا در سال ۹۸۰ میلادی (۳۷۰ هجری) در خانواده یکی از بزرگان شهر بلخ واقع در افغانستان امروز، به نام عبدالله و همسرش ستاره، دختر دهقانی از اهالی روستای افشته از توابع بخارا، به دنیا آمد. در سن ده سالگی علوم متداول در مکاتب زمان خود را به پایان رسانیده و قرآن را به تمامی حفظ داشت. در شانزده سالگی طبیعی آنچنان بلند آوازه شده بود که برای مداوای امیر بخارا به دربار وی فرا خوانده شد.

معالجه امیر باعث شد تا درهای کتابخانه سلطنتی امیر بخارا که به مخزن الحکمه شهرت داشت بر وی گشوده گردد. بعدها ابن سینا به شاگرد و تذکره نویس خود ابو عبید جوزجانی چنین گفت: «چون به هجده یا نوزده سالگی رسیدم از تمامی علوم عقلی همچون منطق و طبیعی و ریاضی و هندسه و حساب و نجوم و



Foto Unesco

نوشته
محمد عظیم اف

ابن سینا، نابغه ای جهانی

کتابخانه های جهان ثبت شده است. یکی از نقوش حکاکی شده قرون وسطی ابن سینا را نشسته بر تختی نشان میدهد با تاجی از برگ غار بر سر، در حالیکه جالینوس و بقراط در دوسوی او جا گرفته اند. به نظر میرسد که هنرمند گمنام این نقش خواسته است بگوید که اگرچه جالینوس و بقراط پدران علم طب محسوب میشوند، اما ابن سینا شهریار و قهرمان بلا منازع این دانش است.

این نمایش نمادی مرتبه ابن سینا کاملاً موجه است، چرا که در آن دوران واژه های «ابن سینا» و «طب» تقریباً مترادف و همسنگ یکدیگر بودند. اثر بزرگت وی القانون فی الطب تلفیق اعجاب آوری از تمامی دانسته های پزشکی است که دستاوردهای برجسته ترین طبیبان یونانی، هندی ایرانی و عرب را یکجا عرضه میدارد. گستردگی دانش نویسنده این اثر مهم نیروی منطقی فکر او، ایجاز و روشنی بیان وی، روش ابداعی او در برخورد با مضامین لاینحل علم طب و نیز نحوه تقسیم بندی و ارائه قوانین و راه حل های جدید، تازگی و خلاقیت ذهنی او، همه و همه قانون را بدآتری بر بدیل در نوع خود بدل مسازد. (نگاه کنید به مقاله صفحه ۱۳)

موسیقی و طب و بسیاری علوم دیگر فراغت یاقم و از آن به بعد چیزی از علوم برمن مکتشف نشد، دیگر نمی توانستم کسی را به استادی بپذیرم.»

در این سخنان هیچ گرافهائی نیست. حافظه ابن سینا وسعت و عمق دانش وی براستی شگفت انگیز بود. نقل است که پس از آنکه حریق کتابخانه سلطنتی بخارا را یکسره از بین برد مردم به خود دلداری داده می گفتند: «مخزن الحکمه نابود نشده، بلکه کتب آن به تمامی به حافظه شیخ الرئیس نقل مکان کرده است.»

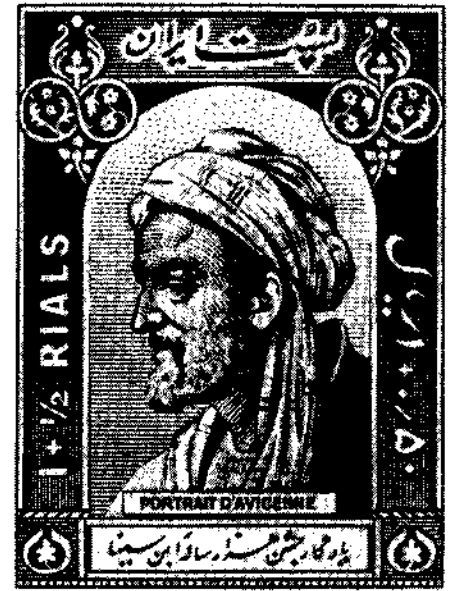
زندگی نسبتاً کوتاه ابن سینا (وی در پنجاه و هفت سالگی درگذشت) را می توان در عبارت «یک عمر خلاقیت عظیم خلاصه کرد. او همیشه و در هر حال سرگرم کار بود. شب یا روز، در زندان یا درسفر، و حتی هنگامی که برزین اسب نشسته بود و از جانی به جانی می رفت یا شخصاً مینوشت و یا نظرات خود را بر کاغذ و شاگردان خویش فرو میخواند و آنان می نوشتند. براساس محاسبه سعید نفیسی، محقق ایرانی عدد تالیفات ابن سینا به فارسی یا عربی ۴۵۶ جلد است که یا محققاً توسط وی به رشته تحریر درآمده و یا منسوب به اوست. دست کم یکصد و شصت اثر به نام وی در فهرست



Foto - Jean Loup Charnier. Paris. Musée de Histoire de la Médecine. Paris.



Fotos tomadas del Libro de milenario de Avicenne por el Dr. Z. Sata, Tarragona, 1963.



در اینجا چند تصویر خالی از ابن‌سینا را که هنرمندان کشورهای مختلف در طول هزار ساله که از حیات او می‌گذرد رقم زده‌اند، می‌بینید. این تصاویر به ترتیب از چپ به راست و از بالا به پایین عبارتند از: تصویری توسط یک هنرمند گمنام که بارها در نشرهای متعدد آثار ابن‌سینا در اروپا چاپ شده؛ گوشه‌ای از یک پنجره شیشه رنگی؛ چهره ابن‌سینا که در سال ۱۹۵۰ از زیر لایه‌ای از گچ بر روی یکی از دیوارهای کتابخانه بادلیان شهر آکسفورد انگلستان کشف شده. تمبر یادبودی که سی سال پیش از سوی دولت ایران به مناسبت هزاره تولد ابن‌سینا بر اساس تقویم هجری قمری منتشر گردیده؛ گوشه‌ای از صفحه عنوان یک اثر پزشکی که در قرن شانزدهم در استراسبورگ فرانسه به چاپ رسیده، و تصویری که در سال‌های بین ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ توسط یکی از نقاشان تاجیکستان شوروی کشیده شده است. صفحه مقابل: مدالی که به مناسبت هزاره تولد ابن‌سینا بر اساس تقویم میلادی منتشر شده است (نگاه کنید به صفحه ۴۶)

انگلیسی ابراز و تبیین شده ندارد.

یکی از فرضیه‌هایی که ابن‌سینا پیش کشید این بود که برخی عفونت‌ها بوسیله «موجودات بسیار کوچک» که در آب و هوا زیست میکنند نقل میشود، و در قرن هجدهم این فرضیه توسط آنتونی فن لیوون‌هوک (۱۶۳۲-۱۷۲۳)،

پروفسور محمد عظیم‌اف، از کشور روسیه شوروی، رئیس انجمن بین‌المللی مطالعه در فرهنگ‌های آسیای مرکزی، عضو وابسته آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، و نیز رئیس آکادمی علوم جمهوری سوسیالیستی تاجیکستان شوروی است.

ابن‌سینا نخستین کسی است که اندام‌شناسی عضلات چشم انسان را دقیقاً شرح داده است و شرحی که وی در خصوص طرز کار قوه باصره آورده است، از نظرات علمی امروز در خصوص این پدیده چندان به دور نیست. وی همچنین با دقت و تیزبینی بسیار، سیستم بطون و دریاچه‌های قلب انسان را توضیح داده است. آیه و سرخک را که کلاً بر پزشکان یونان باستان ناشناخته بود، به تفصیل شرح و تحلیل کرده است. نظر او در خصوص مرض قند چندان تفاوتی با نظریه‌ئی که هشتصد سال پس از وی توسط توماس ویلیس، پزشک و متخصص

این کتاب در قرن دوازدهم هم توسط جرارد گرمونانی از اهالی ایتالیا به زبان لاتین ترجمه شد، و تا قرن‌ها بعد کتاب مقدس علم طب محسوب میگردید (تا بدانجا که پس از اختراع چاپ بوسیله قاب‌های متحرک، این کتاب پس از کتاب مقدس از نظر تعداد نسخ چاپ شده مقام دوم را در جهان غرب بخود اختصاص داده بود). ابن‌سینا در کتاب قانون نه تنها کار پیشینیان خود را تلفیق و ترکیب کرده و در یک جا آورده است، بلکه به کمک مشاهدات عملی و اکتشافات نظری خود علم طب را بسط داده و به آن غنای بسیار بخشیده است.

دانشمند هلندی، در آزمایش‌هایی که وی بسا استفاده از میکروسکوپی که خود آنرا ساخته بود انجام داد، مورد تأیید قرار گرفت. نظرات ابن سینا در خصوص تپش قلب و نبض انسان نیز بسیار جالب توجه است (او نسبت نوع تپش ساده و سی‌نوع تپش مرکب برشمرده و ثبت کرده است) و طب جدید، جز تصحیحات اندکی، چیزی بر این تعداد نیافزوده است.

ابن سینا روشهای تشخیص بسیاری ابداع نمود، مثلاً روشی را که در طب جدید به «پرکاشن» یا «روش دق» موسوم است، و بر اساس آن امراض داخلی به کمک ضربه‌های آرام انگشت بریدن بیمار تشخیص داده میشود، به‌او نسبت میدهند، هرچند قرن‌ها بعد این روش را یزشکی از شهروندان وین به نام لئوپولد-آونبرگر (۱۸۵۹ - ۱۷۲۲) دوباره کشف کرد. با وجود این همه، ارزش اساسی کتاب قانون در تدوین اصلی است به نام اصل فعلیت طبیعی، که کتاب نامبرده خود به تمامی بر پایه آن به نگارش درآمده، و ابن سینا نه تنها در زمینه طب بلکه در کلیه نظریات علمی خویش از آن الهام گرفته است.

دانش جدید هنگامی پا به‌عرضه وجود نهاد که پژوهشگران در رویارویی با جهان مادی، آنرا به‌گونه بازتابی نمادی از جهانی دیگر، یعنی جهان روحانی، بلکه همچون مجموعه‌ای از علت‌ها و معلول‌ها در نظر آوردند که در هر صورتی می‌توان از طریق مشاهده، تحقیق و آزمایش آنرا مورد مطالعه و بررسی قرار داد. حاصل این مشاهدات، تحقیقات و آزمایش‌ها به پیش کشیدن یک رشته فرضیه‌های جدید در خصوص جهان انجامید. و آثار ابن سینا مسیر تفکر را در غرب به‌سمتی کشاند که مآلاً به تولد دانش جدید منجر شد.

یونانیان باستان ارزش‌های فرهنگی را که در زمان آنان دانسته بود، منجمله دانشی را که مشرق زمین بدان دست یافته بودند، تلفیق نموده و از آن ترکیبی جدید ساختند. فرهنگ امپراتوری رم نیز به‌نوبه خود بسیاری از عوامل فرهنگ و دانش یونانی را با عناصری از دانسته‌های مردمان مشرق زمین درآمیختند. آنگاه، در قرون وسطی در مشرق، دوره‌ای از شکوفایی فرهنگی فرا رسید که درخشش آنرا می‌توان با تمدن رنسانس در اروپا مقایسه کرد. ابن سینا البته یکی از درخشانترین چهره‌های این دوره شکوفایی در تمدن مشرق‌زمین بود، اما باید به‌خاطر داشت که او از متن فرهنگ و تاریخی برخاسته بود که نوابغ دیگری همچون رودکی و فردوسی در شعر، ابویکر رازی در طب، ابومحمود خجندی در ستاره‌شناسی و دانشمندانی همچون فارابی و بیرونی نیز از آن برآمده بودند.

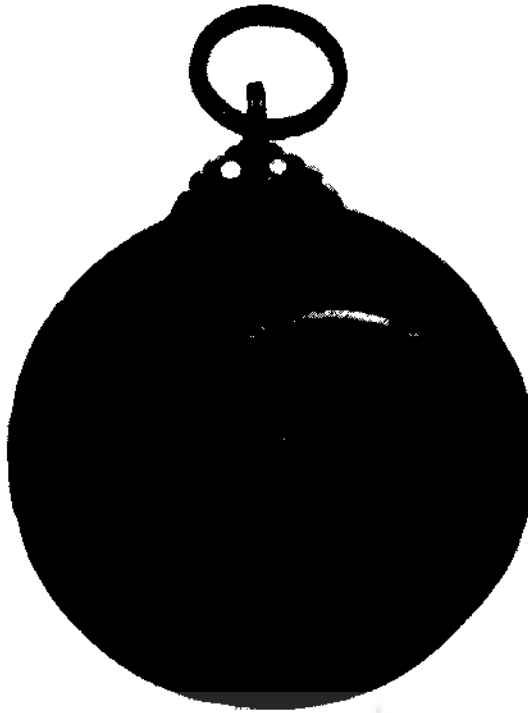
ابن سینا موج فرهنگی جدیدی به وجود آورد که در برخورد با منابع نیروبخش گذشته از شرق به‌غرب به‌حرکت درآمده نخست به سواحل اسپانیا رسید، و از آنجا به جنوب فرانسه راه یافت، و در آنجا اثر بزرگی در سیر تکوین آزادی اندیشه در اروپا باقی گذاشت. این جریان در عصر جنگ‌های صلیبی به‌اوج رسید، چرا که طی این دوران فرهنگ‌های اسلامی و بیزانسی در اروپا نشر یافت.

اندیشه‌های ابن سینا حلقه مهمی است در زنجیره تکوین و گسترش یک تمدن بی‌نظیر انسانی.

درباره اهمیت مفاهیم علمی و تحلیلی فیلسوف دانشمندی همچون ابن سینا، و اثرات آن بر سیر تحول اندیشه در اروپا به دشواری می‌توان سخنی به‌گزاره گفت.

او مسائلی را که در خصوص قیاس‌های ارسطویی وجود داشت تا حد قابل توجهی تعدیل

Photo Bibliothèque nationale, Paris



در زمان ابن سینا، جهان اسلام به‌گونه‌ای خلاق میراث سنت‌های فرهنگی مختلفی را که بر رشد سریع خود با آنها برخورد می‌کرد، توسعه و تحول می‌بخشید. به‌موازات تدوین نظرات ریاضی بسیار دقیق، ستاره‌شناسان مسلمان از کار برآوردن نیازهای روزمره جوامع اسلامی نیز غافل نبودند. نمونه اینگونه خدمات اختراع ابزاری جهت تعیین زمان نمازهای پنجگانه در طول عرض‌های جغرافیایی متفاوت است، و نیز محاسبه دقیق سمت قبله که رو به‌مکه دارد از هر نقطه جهان که نماز در آنجا گزارده می‌شد. ابن سینا خود رصدهای نجومی فراوانی از این دست را ثبت کرده و تدابیر زیرکانه بسیاری برای ازدیاد دقت ابزارهای نجومی خود اندیشیده است. اسپرلاب صی، که در بالا، سمت راست تصویر، دیده می‌شود، در قرن نهم میلادی در عراق ساخته شده و برای اندازه‌گیری ارتفاع اجرام سماوی، و از روی آن تعیین ساعت دقیق روز یا شب به‌کار میرفته است. در سمت چپ، نمونه‌ای از قطب‌نمای آهنی را می‌بینید، از نوعی که دانشمندان زمان ابن سینا به‌کار می‌برده‌اند.

این کوزه منقوش، در روزگار ابن سینا در آسیای مرکزی متداول بوده و برای نگهداری و حمل جیوه به‌کار می‌رفته است. در آن زمان معادیر زیادی جیوه استخراج می‌شده و این فلز در زندگی روزمره کاربرد گسترده‌ای داشته است. مثلاً سطح برخی فلزات را با جیوه، که تنها فلزی است که در شرایط حرارتی معمول به‌صورت مایع باقی می‌ماند، می‌پوشانده و از روی دیگر آن به عنوان آئینه استفاده می‌کرده‌اند.

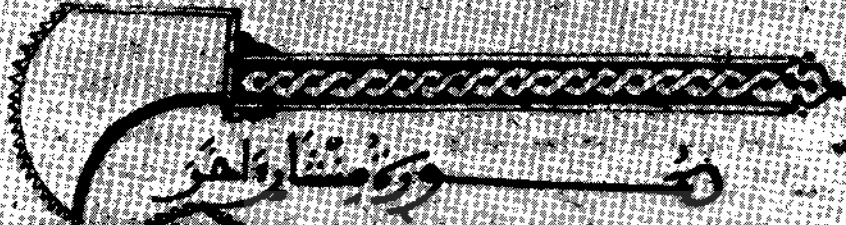


Photo A. Plekhanov Musée de l'histoire des peuples d'Ouzbékistan, Tachkent

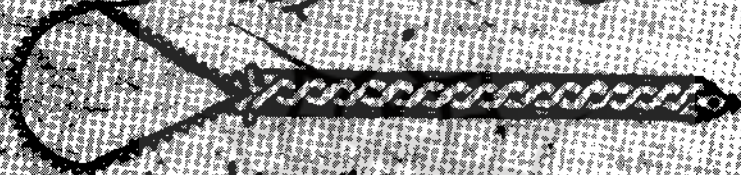
Photo Sergei A. Davydov Musée de l'histoire des peuples d'Ouzbékistan, Tachkent

نوع من العقل انه مشاكله لزايله العقل وافضل الالات عملها
 قد تولى على فتح الالات التي فتاح البصائر اذ كانت مبررة بحرية
 ومعرفة فانظر هذه الصناعة التي من صناعاته وشاغلنا
 من الامور التي تسمى ما يشاكله من الالات التي تسمى
 بصورتها: انظر الى الالات التي تسمى بالمشاكلة
 وفيما تسمى على غير ما ان شاء الله تعالى

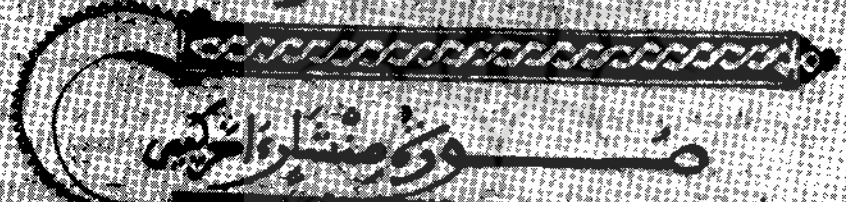
موسو منشار



موسو منشار مقعر



موسو منشار صغیر



موسو منشار اعظمی



موسو منشار

Photo © Bibliothèque nationale, Paris

کتاب القانون فی الطب ره «پرنفوذترین کتاب در تاریخ پزشکی» لقب داده اند. این کتاب که به عربی نوشته شده بود. بعدها به فارسی، ترکی، اردو و دیگر زبان های رایج در جهان اسلام، و نیز به زبان های عبری، کتان و لاتین، برگردانده شده. البته ابن سینا، این «رئیس پزشکان» درخشانترین چهره این دوران شمرده می شود، اما به هیچ روی، او یگانه چهره علمی این زمان نبود. پزشکان عالِمدر دیگری نیز در قرن های یازدهم و دوازدهم میلادی در جهان اسلام وجود داشتند. یکی از این بزرگان پزشک عرب اندلسی الزهروی (متوفی به سال ۱۰۱۴) بود که در غرب به نام «البوقاسی» معروف است. او رساله ای در باب جراحی دارد که با تصاویر بسیاری از ابزارهای جراحی گوناگون، که خود نویسنده آنها را کشیده، مصور شده است. این اثر تا حدود پانصد سال پس از تألیف آن، در اروپا بزرگترین کتاب درس جراحی به شمار می آمد. در اینجا تصویر یک صفحه از این رساله را می بینید.

کرد. او علاوه بر صورت‌های قیاس مرکب از قضایای حملی قیاسی مبتنی بر قضایای شرطی را هم در منطق وارد کرد.

کار او، اما، به اینجا خلاصه نمی‌شود. هر چند احکام ابن‌سینا در باب استقراء تمثیل، شهود و بسیاری مفاهیم دیگر می‌تواند جالب باشد آنچه بایستی بیش از همه بر آن تأکید کرد اینست که او شأن و مقام بزرگی به منطق داد. برای او منطق میزان علم محسوب می‌گشت، چرا که منطق به انسان اجازه میدهد تا دریابد که چگونه آنچه دانسته نیست به کمک آنچه دانسته است در قلمرو دانش انسان قرار می‌گیرد، و نیز این حقیقت که در قلمرو عقل انسان سنجیده نشده باشد نفی‌ناپذیر نبوده و بدین سبب دانش راستین نمی‌تواند بود.

خدمات ارزنده ابن‌سینا به علم منطق در قرن سیزدهم توسط فیلسوف انگلیسی راجر بیکن (۱۲۹۴-۱۲۷۴)، که خود یکی از نخستین آموزگاران علوم تجربی محسوب می‌شود، مورد تأکید و تصدیق قرار گرفت. ستایشی که «بیکن» از ابن‌سینا می‌کند به ویژه از این جهت دارای اهمیت است که جنبه‌های منطقی و آزمایش‌عملی ابن‌سینا از یکدیگر جدائی‌پذیر نیست.

ابن‌سینا افکار بدیع بسیار تدوین کرد که اکتشافات و اختراعات آینده را نوید می‌داد، و از این میان می‌توان به «اصل جبر» اشاره کرد که سرانجام فیزیک‌دان و ستاره‌شناس ایتالیایی گالیله (۱۶۴۲ - ۱۵۶۴) به آن دست یافت، و نیز به نظریه داروین راجع به تکامل. روش‌هایی که ابن‌سینا در تعیین تفاوت طول جغرافیائی بین دو نقطه معین واقع بر سطح زمین و در اندازه‌گیری ارتفاع و سمت ستارگان به کار گرفته بود پانصد سال پس از مرگش دوباره اختراع شد.

این حقیقت امروز فاش شده است که در روز بیست و چهارم ماه مه ۱۰۳۷ میلادی ابن‌سینا با چشم غیر مسلح پدیده نجومی نادری را رصد کرد، و آن عبور ستاره زهره از میان قرص خورشید بود. و این واقعه بدان مناسبت که بایستی تاریخ علم را تصحیح کرد، چرا که دیربازی عقیده بر این بوده است که این پدیده برای نخستین بار در سال ۱۶۳۹ توسط یک ستاره‌شناس انگلیسی به نام جرمیا هوراکس

(۱۶۴۱-۱۶۱۷) رصد شده است.

اگر ملاحظه می‌شود که ابن‌سینا در این همه زمینه‌های گوناگون پیشتاز بوده، به این دلیل است که او سراسر حیات علمی خود را در طب و فلسفه، در شعر و موسیقی، و در رشته‌هایی همچون تعلیم و تربیت و علم‌الاجتماع، در خدمت يك هدف می‌دید: نیکوتر ساختن انسان و افزودن کردن سعادت نسل‌های بشر. او بر مبنای این باور که بایستی «تفاهم در میان انسان‌ها برقرار گردد، و موازین عدل و انصاف و قانون بر جوامع بشری حاکم گردد»، اندیشه‌ها و افکاری به‌تصویر درآورد که نظریه «قرارداد اجتماعی» را بشارت می‌دهد که در قرن هجدهم به وسیله ژان ژاک روسو (۱۷۷۸-۱۷۱۲) تدوین و انتشار یافت.

نام دومین اثر جامع ابن‌سینا کتاب‌الشفاست که عنوانی است شایسته برای این اثر بزرگ و ارزنده. موضوع کتاب قانون، همچنانکه دیدیم، روش درمان بیماری‌های جسمانی است، حال آنکه در شفا سخن از بهسازی و تزکیه روح انسان می‌رود، و هدف ابن‌سینا از تألیف آن همانا تهذیب و تقویت اخلاقی انسان‌هاست.

افکار بشر دوستانه ابن‌سینا، که در انسان میلی درونی به سوی زیبایی و صفا می‌دید، و عشق را نیروی محرکه جوامع بشری می‌شمرد، در رساله‌المشوق و برخی آثار فلسفی وی همچون رساله‌حی‌بن‌یقطان، سلامان و ایسال و رساله الطیر توضیح و تشریح شده است. این آثار نفوذی شایسته در ادبیات مشرق‌زمین، و نیز تأثیری بسزا بر آثار شاعر بزرگ ایتالیایی دانته (۱۳۲۱-۱۲۶۵) داشته است.

برخی آگاهان بر آنند که دانته، از طریق آثار فیلسوف شهیر، آلبرت تومس (آلبرت کیس) ماگنوس (۱۲۸۵-۱۲۰۰)، شدیداً زیر تأثیر فلسفه یونانی - عربی، و نیز زیر تأثیر ابن‌الرشد (۱۱۹۸-۱۱۲۶) فیلسوف اندلسی قرار گرفته است، و این فیلسوف نیز به‌توبه خود بسیاری از افکار ابن‌سینا را اساس فلسفه خود قرار داده و در اروپا ترویج داد، و در حقیقت او بود که ابن‌سینا را به اروپائیان شناساند. دانته خود گفته است که قادر نیست کلیه پیشینیانی را که بر او اثر گذاشته‌اند به‌خاطر آورد، لکن ابن‌سینا در زمره افرادی است که نامشان در کمدی الهی

آمده است.

بسیاری از مردم، عمر خیام (متوفی به سال ۱۱۲۳ میلادی)، ستاره‌شناس و ریاضی‌دان بزرگ ایرانی را به عنوان شاعر جاودانه رباعیات می‌شناسند، و این حقیقت کمتر مورد توجه قرار گرفته است که او، ابن‌سینا را نه تنها در فلسفه و علوم، بلکه در شعر نیز استاد خود می‌دانست زیرا این ابن‌سینا بود که برای نخستین بار قالب رباعی یا شعر چهار مصرعی را به‌عنوان شکلی برای بیان افکار فلسفی در شعر به کار گرفت. رباعیاتی هم از او باقی مانده است که هم به لحاظ کمال صوری شعر و هم به لحاظ ژرفای افکار نیفته در آن قابل ملاحظه می‌باشد. نیز آورده‌اند که عمر خیام، کمی پیش از مرگ خود، با توجه و دقتی بسیار مقولات مابعدالطبیعه کتاب‌الشفای را خوانده است. و اما ابن‌سینا، خود، همیشه احساس کرد که زمان مرگش نزدیک است، غلامان خود را آزاد کرد و ثروت خویش را میان مسکینان قسمت نمود، و سرانجام در روز هجدهم ژوئن ۱۰۳۷ (رمضان سال ۴۲۸ هجری) در بیابانی در نزدیکی شهر همدان درگذشت.

بنابر یکی از افسانه‌هایی که درباره ابن‌سینا باقی مانده است، طیب بزرگ بر آن بودا مرگ را بشکند و به راز جاودانگی دست یابد. می‌گویند او چهل نوع داروهای گوناگون فراهم آورده و به شاگرد خویش فرمان چنین داده بود تا پس از مرگ وی آنها را به ترقیبی خاص بر جسم بی‌جان او به کار گیرد. شاگرد وی بر طبق وصیت استاد عمل نمود و همچنانکه به کار مداوی او مشغول بود ناگهان در کمال شگفتی مشاهده کرد که رفته رفته بدن سرد استاد جان و جوانی از سر گرفت. لحظه‌ای بعد چهره جسد گلرنگ گشت، و نفس به کالبد بی‌جان باز آمد... آنگاه نوبت به استعمال آخرین دارو رسید، که قرار بود جسد را برپا بایستاند. شاگرد که از شدت حیرت قدرت عمل از او سلب شده بود، جام دارو را به‌دست گرفت... اما... ناگهان... دستش لرزید و جام لغزید و مایع جادویی از میان انگشتان او فرو ریخت و خاک و ریگ بیابان دارو را فرو خورد...

اما خوشبختانه ابن‌سینا در یاد انسانیت جاودانه مانده است. ■ محمد عظیم افی



در این نقیض حکایتی شده، که نمایانگر مقام والای ابن‌سینا در جهان پزشکی است، او را در میان دو طیب بزرگ جهان باستان، یعنی جالینوس و بقراط می‌بینید. غنای جالینوس و بقراط از جمله انبوه دانسته‌های پزشکی در قرون وسطی بود که ابن‌سینا تمامی آنها را تقسیم‌بندی کرده و تفسیر و تاویل نموده است.

Foto - Edizioni Nauka, Mosca